خراسان جنوبی
روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان جنوبی

سیاه ، سفید ، خاکستری

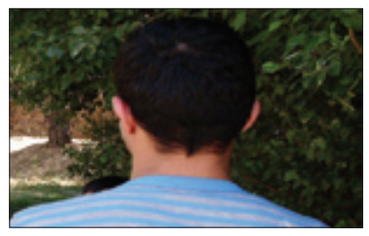

تصمیم نادرست

همه افراد خانواده را یک طرف گذاشته بودم و طرف دیگر زندگی ام شده بود سمیرا.
او دختر یکی یک دانه شیک پوشی بود که زیبایی اش چشم هایم را کور کرده بود، با دیدن ظاهرش لباس پوشیدن خواهر و مادرم را به تمسخر می گرفتم و می خواستم که الگویشان سمیرا باشد . فکر می کردم مادرم به او حسادت می کند چون مدام می گفت این دختر به دردم نمی خورد و دختری که مدام دنبال مد و آرایش باشد زن زندگی نیست.
اما من پا را در یک کفش کردم و آب پاکی را روی دست والدینم ریختم که یا سمیرا یا هیچ کس.
باورش سخت بود اما بعد از یک ماه سمیرا همسرم شد و ما زیر یک سقف قرار گرفتیم.
تازه اول ماجرا بود، او دوست داشت بدون من با دوستانش به گردش و تفریح برود و راحت باشد و من هم مخالفتی نمی کردم. بعد از مدتی می خواست در کلاس های بازیگری شرکت کند اما چون هزینه کلاس ها بالا بود مجبور شدم هدایای ازدواجمان را خرج هزینه کلاس ها کنم.
۵ ماه از زندگی مشترکمان می گذشت که همسرم باردار شد. وقتی پسرم «شایان» قدم به زندگیمان گذاشت همسرم حاضر نبود از او مراقبت کند و بیشتر به فکر کلاس های ورزشی برای تناسب اندام و کلاس های بازیگری و تفریح با دوستانش بود و به دلیل وقفه ایجاد شده در کلاس ها به خاطر بچه دار شدنمان مدام بحث و دعوا راه می انداخت.
هر روز باید یک مدل لباس می پوشید و حاضر نبود لباس های تکراری بپوشد در حالی که من فقط یک کارمند ساده با حقوق متوسط بودم.
در این شرایط مجبور شدم برای شایان پرستار بگیرم اما این نقطه شروعی برای تهمت زدن های سمیرا بود.
برای همین از مادرم خواستم تا مدتی از شایان نگهداری کند اما او هم به دلیل کهولت سن نمی توانست به خوبی این کار را انجام بدهد.
یک روز با سمیرا به طور جدی صحبت کردم اما انگار او فقط به فکر خودش بود. من و شایان حتی به اندازه یک نقطه هم در زندگی اش به چشم نمی آمدیم. حاضر بود به همه خوشی هایش برسد اما ما را کنار بگذارد.
با این اوضاع چاره ای جز جدایی برایم نمانده بود برای همین با رضایت سمیرا از هم جدا شدیم و من از آن به بعد به طور واقعی دنبال یک همسر گشتم تا آن که با دختریکی از همسایه های پدرم ازدواج کردم.
دختری که انتظار زیادی ندارد و قانع است و بیشتر اوقات زندگی اش را می گذارد برای مراقبت و رسیدگی به من و شایان. این روزها که به گذشته فکر می کنم با خودم می گویم چرا از روی احساس تصمیم گرفتم و چند صباحی از عمرم را بر باد دادم.

ملک آبادی

جالب ترین خبرهای روز جهان
در ستون «۴ گوشه زنی»
هر روز در صفحه «همشهری سلام»

صدور حکم خواستگار سمج

متهم به چوبه دار نزدیک شد

علیرضا رضایی- متهم ۳۶ ساله ای که حادثه ای خونین را رقم زده بود به اعدام محکوم شد.
به گزارش خراسان جنوبی این متهم سوم رمضان سال گذشته پس از ورود به عنف به یک منزل و گروگان گیری و نزاع مرتکب قتل صاحبخانه شد که به حکم دادگاه کیفری یک استان با توجه به شکایت اولیای دم ، مستندات قانونی،نتیجه بازجویی ها و جلسات بازپرسی به اعدام محکوم شد.
ساعت ۳:۳۰ نیمه شب سوم رمضان سال گذشته (سی ام خردادماه نود و چهار) همسر صاحبخانه بعد از صرف سحری به حیاط منزل می رود که متوجه می شود در تاریکی صبح سایه سیاهی به او نزدیک می شود که ابتدا فکر می کند داماد خانواده است اما وقتی خوب نزدیک می شود با خواستگار دخترش مواجه می شود و با فریاد دیگر اعضای خانواده را مطلع می کند.
با بلند شدن صدا یکی از دختران صاحبخانه به حیاط می آید و مشاهده می کند مادرش، گروگان خواستگار خواهرش است که در این بین درگیری بین ضارب (خواستگار) و اعضای خانواده رخ می دهد که در این کش و قوس ۴ نفر از جمله صاحب خانه (پدر خانواده) در صحنه مجروح می شوند که پس از انتقال مجروحان، پدر خانواده به دلیل شدت جراحات فوت می کند. همچنین با اطلاع به مرکز فوریت های پلیس ۱۱۰ ماموران در صحنه حاضر و به بررسی جزئیات حادثه می پردازند.
اولین جلسه رسیدگی به پرونده این جنایت در شعبه اول دادگاه کیفری یک استان با حضور اولیای دم، متهم و وکیل وی برگزار شد.
رئیس شعبه اول دادگاه کیفری یک استان ماجرای شب حادثه را به طور خلاصه این گونه بیان کرد: نیمه های شب سی ام خردادماه نود و چهار به مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ اطلاع می دهند در یک منطقه مسکونی حاشیه شهر بیرجند فرزند صاحبخانه ای توسط یک ضارب به گروگان گرفته شده است که ماموران به محل مراجعه و مشاهده می کنند دختر ۱۲ ساله صاحبخانه گروگان گرفته شده و فرد ضارب با در دست داشتن چاقو آنها را تهدید می کند که با رها شدن چاقو از دست فرد ضارب درگیری در این بین شدت می گیرد و در این میان صاحب خانه(پدر خانواده) با ضربه چاقو از پا در می آید.
«ابراهیم رمضانی» افزود: در این حادثه ۲ فرزند از صاحب خانه و فرد ضارب مجروح شدند که پس از انتقال به بیمارستان پدر خانواده فوت کرد. وی ادامه داد: فرد ضارب در همان بازپرسی های اولیه انگیزه خود را جواب رد شنیدن از دختر مقتول عنوان کرد.
قاضی «رمضانی» اتهام های متهم (م-س) را قتل عمد مرحوم(غ-خ)، تهدید اعضای خانواده با چاقو، ورود به عنف و تمرد از دستور ماموران انتظامی عنوان کرد.
در ادامه دختر مقتول در جایگاه ایستاد و شرح ماجرای شب خونین را بیان کرد و گفت: با فریاد مادرم به حیاط رفتم که دیدم چاقو زیر گلویش قرار گرفته است که صدای من دیگر اعضای خانواده را هم به حیاط کشاند. در بین درگیری من و مادرم با متهم، توانستم مادرم را نجات بدهم اما متهم برادر ۸ ساله ام را به گروگان گرفت و چاقو را زیر گردن او گذاشت و در ادامه ماجرا پدر و دیگر خواهرانم نیز به نزاع اضافه شدند.
دختر مقتول ادامه داد: پدرم مدام به متهم می گفت پسرم را رها کن اما متهم وقتی دید که از سر و صورت برادر ۸ ساله ام خون می آید خودش را به داخل خانه (اتاقی) کشاند و او را رها کرد و یکی از خواهرانم که ۱۲ سال سن داشت را دوباره گروگان گرفت.
پدرم از یکی از خواهرانم خواست که به پلیس اطلاع بدهد که با ورود ماموران، متهم چاقو را بلند کرد که خواهر گرفتار مرا با آن بزند که خواهرم در این بین از زیر دستش رها شد اما چاقو به پهلویش برخورد کرد و دوباره وقتی که ضارب چاقو را بلند کرد به بینی خواهرم اصابت کرد و از دست متهم افتاد که ماموران اسپری زدند و من دیگر چیزی متوجه نشدم. در این جلسه دختران و همسر مقتول خواستار اجرای حکم قصاص برای متهم شدند. متهم پرونده هم در جلسه دادگاه در دفاع از خود گفت: من تمامی اتهام ها را قبول ندارم چون قصد کشتن مقتول را نداشتم فقط برای طلبم رفته بودم. قاضی پرسید چرا نیمه شب را برای وصول طلب انتخاب کردی؟
متهم: چندین بار تماس گرفته بودم و جواب ندادند و من هم نیمه شب به منزل آنها مراجعه کردم. من با یکی از دختران مقتول ارتباط داشتم و با چند بار خواستگاری جواب رد شنیده بودم اما آن شب برای گرفتن پول های خود از دختر مقتول رفته بودم که وقتی وی در خانه را باز کرد پدر و مادرش بعد از چند دقیقه متوجه شدند که با هم درگیر شدیم و من هم برای دفاع از خود پسر بچه آن ها را گروگان گرفتم بعد از آن یکی از دختران مقتول چاقو در دست داشت که من هم برای دفاع از خود لبه تیز آن را گرفتم. شاهد ماجرا بازپرس و کارآگاهان آگاهی هستند. قاضی پرسید چاقو چطور به مقتول برخورد کرد که متهم پاسخ داد: وقتی دختر مقتول را برای نجات خود در اختیار داشتم چاقو مدت کمی در دست من بود اما وقتی ماموران آمدند آن را رها کردم اما مقتول شتاب زده خود را به چاقو رساند و وقتی برداشت من مچ او را محکم گرفتم که در این میان اعضای خانواده وی هم وارد عمل شدند که در این میان چاقو ابتدا به مقتول و سپس به من برخورد کرد.

انتقام عروس از مادر شوهر در اینستاگرام

رضایی- عروس خانواده به دلیل مشکلات مالی از مادر شوهرش در اینستاگرام انتقام گرفت.
رئیس پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات فرمانده انتظامی استان به خبرنگار ما گفت: خانمی ۵۰ ساله ساکن یکی از شهرستان های استان با طرح شکایتی عنوان کرد که یک هفته است که پیامک ها و تماس های غیر متعارف دارم.
سرهنگ «حسینی» با اشاره به این که شاکی ادعا داشت من در هیچ یک از شبکه های اجتماعی فضای مجازی فعالیت ندارم، افزود: مهندسان پلیس فتا با استفاده از شگردهای خاص پلیسی سرنخی را به دست آوردند و از آنجایی که شماره شاکی در یکی از شبکه های اجتماعی انتشار داده شده بود تمامی شبکه های اجتماعی را مورد رصد و پایش قرار دادند.
وی ادامه داد: سرانجام رد شماره شاکی که به انتشار گذاشته شده بود در شبکه اینستاگرام پیدا شد و مهندسان پلیس فتا سرنخی از فردی که شماره شاکی ۵۰ ساله را انتشار داده بود یافتند و با هماهنگی های قضایی وی را به پلیس فتا احضار کردند. سرهنگ «حسینی» عنوان کرد: وقتی فرد احضار شده مورد بازجویی قرار گرفت مشخص شد او عروس این خانواده بوده و با توجه به این که با خانواده همسرش اختلاف داشته از این طریق قصد انتقام جویی داشته است.
وی خاطر نشان کرد: متهم به همراه شاکی به دادسرای شهرستان مربوط معرفی شدند.

مبارزه با موادمخدر باید به یک رفتار اجتماعی تبدیل شود

ایمان- اجتماعی کردن و نهادینه سازی مبارزه با موادمخدر در لایه های مختلف جامعه یک ضرورت است که باید از سوی دستگاه های متولی این حوزه مدنظر قرار گیرد.
دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان گفت: در کنار برنامه های فرهنگی و ورزشی، دستگاه ها و نهادهای دولتی و غیردولتی باید موضوع مبارزه با مواد مخدر و هشدار به خانواده ها را پررنگ تر نشان دهند.
«زندی» ادامه داد: موادمخدر یک آسیب اجتماعی مهم است که در دنیا نیز به عنوان چهارمین بحران اجتماعی مطرح است ، گزینشی عمل نمی کند و همه خانواده ها و اقشار جامعه در خطر این آسیب قرار دارند. وی افزود: درمان موادمخدر صنعتی به واسطه تاثیرات عمیق و اختلالاتی که در عملکرد مغز و روان فرد گرفتار ایجاد می کند نسبت به مواد مخدر سنتی بسیار مشکل است.
وی ادامه داد : شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان، پیشگیری از مصرف مواد مخدر صنعتی را در اولویت کار خود قرار داده است .
وی اظهار داشت: در این ارتباط نیز هشدارهای لازم با روش های مختلف و آموزش و آگاهی از خطرات به خانواده ها ارائه می شود که همان اجتماعی کردن مبارزه با موادمخدر است.
وی تاکید کرد: دستگاه ها نیز با وجود تنگناهای مالی و کمبود اعتبارات و بودجه در این زمینه باید مساعدت و همکاری لازم را داشته باشند.

گذری در ستاد دیه

۲۵ ماه در بند

۵۵ ساله است . ابتدا تاجر قالی بوده و بعد از آن در زمین ارث پدری اش شروع به فروش مصالح ساختمانی کرده است. در خانه پدری اش زندگی می کند و مراقبت از مادر پیرش را هم بر عهده دارد.
می گوید: تا سن ۵۳ سالگی رنگ زندان را ندیده بودم اما الان ۲۵ ماه است که به زندان افتاده ام. دیگر خسته شده ام.
او که برای پیگیری پرونده اش در ستاد دیه حضور داشت ادامه می دهد: در زمین پدری که به من به ارث رسیده بود مشغول کسب رزق و روزی بودم تا این که فردی به من مراجعه کرد و گفت: من مستاجر هستم و قصد دارم زمینی بخرم و برای خود سرپناهی درست کنم من هم ابتدا مشکل زمین را گفتم که او پذیرفت که با همان مشکل زمین را از من بخرد و وال قانونی کار را برای گرفتن مجوزهای لازم انجام دهد.
پس از توافق ۱۵۰ متر از زمین را به مبلغ ۵۲ میلیون تومان معامله کردم . خریدار زمین را برای مدتی رها کرده بود تا این که داخل زمین اتاقی بنا کرد. ساعت ۵ صبح یکی از روزهای زمستان بود که حکم قلع و قمع زمین اجرا شد و خریدار هم از دست من شاکی شد اما من در همان ابتدا ۲۹ میلیون تومان را پرداخت کردم ولی بعد از مدتی نامه ای از دادگاه دریافت کردم که وقتی در جلسات دادگاه حاضر شدم با توجه به این که نتوانسته بودم مانده بدهی خریدار را بپردازم به پرداخت ۵۱ میلیون تومان خسارت در حق شاکی محکوم شدم.
مرد ۵۵ ساله عنوان کرد: عمری با آبرو زندگی کردم اما چون من نمی توانم بدهی شاکی را پرداخت کنم به زندان افتادم و ۲۵ ماه است که دوران محکومیت خود را سپری می کنم.
هرگز قصد ندارم حق شاکی را ندهم اما اگر او به خاطر ۶ فرزندم رضایت بدهد تا از زندان آزاد شوم حق او را به طور اقساطی می پردازم.

آژیر

پژو در آتش

ایمان- یک دستگاه پژو آردی هنگام تردد در خیابان پاسداران بیرجند دچار حریق شده بود که آتش نشانان ایستگاه شماره سه آتش را مهار کردند.
مدیر عامل سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری بیرجند به خبرنگار ما گفت: ساعت ۱۰:۳۴ روز گذشته با تماس خانمی به مرکز ۱۲۵ سازمان آتش نشانی مبنی بر این که خودروی وی دچار حریق شده است آتش نشانان ایستگاه شماره سه به موقعیت اعزام شدند و ضمن ایمن سازی محل با استفاده از لوله های آبرسان حریق خودرو را مهار کردند.
به گفته میرزایی خودروی در حال تردد از قسمت موتور به علت نشت بنزین دچار حریق شد.

ورود ممنوع

دانلود نرم‌افزار از منابع نامعتبر

برخی از افراد سودجو با بیان مطالب اغوا کننده و جذاب در بعضی از سایت ها (بعضاً در برخی از سایت های غیر اخلاقی) به دنبال ترغیب کاربر برای انجام کار مورد نظر خود می باشند؛ این افراد در قالب تصاویر و کلیپ های غیر اخلاقی اقدام به ارسال و نصب بدافزار برای گوشی های هوشمند می کنند.
افراد سودجو با استفاده از این بدافزار کنترل تلفن همراه قربانی را در اختیار گرفته و می توانند قابلیت های کلیدی تلفن همراه را در اختیار بگیرند. یک از این قابلیت ها به شرح ذیل می باشد:
* کنترل اینترنت و تماس با گوشی کاربران که مجوز اتصال به اینترنت به صورت کامل را برای فرد مجرم مهیا کرده و امکان خواندن اطلاعات مربوط به خصوصیات دستگاه را فراهم می کند.
برای پیشگیری از وقوع چنین جرائمی به کاربران گوشی های همراه توصیه می شود:
با مراجعه به سایت اپراتور مورد استفاده تلفن همراه، یا ارتباط از بستر USSD با اپراتور مربوطه و نیز تنظیمات گوشی از قسمت
call/setting/moresetting/call/barring/internationalcalls
نسبت به فعال سازی محدودیت تماس بین المللی اقدام نمائید.
به صورت دوره ای نرم افزارهای در حال اجرای گوشی را بررسی و در صورت مشکوک بودن، نرم افزار مربوطه را حذف کنید.
حتی الامکان از اینترنت وای فای و فاقد رمز استفاده نکنید. از آنتی ویروس مناسب با نوع و مدل گوشی خود استفاده و آن را مرتب به روزرسانی کنید.
از نگهداری تصاویر و فیلم های خصوصی در حافظه گوشی های هوشمند خودداری کنید.
نرم افزارهای موبایل بانک را از سایت اصلی بانک مربوطه دریافت و نسبت به رمزنگاری آن اقدام کنید و مراقب سایتهای جعلی بانکها باشید.
سیستم پیامکی حساب های بانکی خود را فعال کنید تا در صورت انجام هرگونه تراکنش بانکی از آن مطلع شده و بررسی کنید.

پلیس فتای استان